



مدیر نشر شانی در گفت و گو با «آرمان ملی»:

نظارت‌های کیفی مجموعه شعرها و چهره نگاره

مسئولان فقط به فکر افزایش آمار نباشند

آرمان ملی - محمد صابری - چرخه نشر در ایران بنا به دلایل و کاستی‌های متعدد، با مشکلاتی دست به گریبان است که اثرات آن را می‌توان در کمیت گرای، افزایش تعداد پروانه‌های نشر و افت فرآیندهای تخصصی حرفه‌ای در انتشار کتاب، خصوصا در حوزه شعر ملاحظه کرد...

برای آن دسته از خوانندگان روزنامه که از فعالیت‌های ادبی و نشر شما کمتر خبر دارند، تیتروار خوان‌تان را معرفی کنید

من متولد ۱ بهمن ۱۳۶۳، فارغ‌التحصیل رشته مهندسی برق از دانشگاه یزد و کارشناس ارشد ادبیات و زبان فارسی از دانشگاه پیام نور کرج هستم. تا امروز چهار مجموعه شعر از من به انتشار رسیده که مجموعه اول شامل غزلیات من است و در سال ۱۳۷۹ به چاپ رسیده، مجموعه دوم من به نام «پاهای من کش‌های تو»...

اگر عمر کار نشر شانی را در دو دهه بخواهم مورد ارزیابی قرار بدهم، دهه اول یعنی سال‌های ۸۵ تا ۹۵، استقبال خیلی خوبی از شعر می‌شد؛ زیرا ناشرانی که داعیه کار فرهنگی و ادبی داشتند، خیلی کم بودند و کارشان کیفیت بالایی داشت. از طرفی هم میزبانی‌ها و سخت‌گیری‌ها روی کتاب شعر، چه از طرف نشرها و چه از طرف ناشران بیشتر بود و کتاب‌هایی منتشر می‌شد که ارزش چند بار خواندن را داشت...

برای آن دسته از خوانندگان روزنامه که از فعالیت‌های ادبی و نشر شما کمتر خبر دارند، تیتروار خوان‌تان را معرفی کنید

شما سال‌هاست که در کنار شعر، به ترانه‌سازی برای خوانندگان مشهور پرداخته‌اید. بنظر ما بین شعر و ترانه چه تفاوت‌هایی وجود دارد؟

از نظر من بین شعر و ترانه، فرق آنچنانی وجود ندارد. خیلی از دوستان در تلاش‌اند که بین شعر و ترانه فرق بگذارند، اما از نظر من این تقسیم‌بندی اشتباه است؛ چرا که اگر ترانه‌ای خوب نوشته شود و فقط موزون نویسی نباشد، می‌تواند به شعر برسد؛ همانطور که بسیاری از ترانه‌ها حتی از غزل و مثنوی و در کل شعر کلاسیک بسیار قدرتمندترند و جدا از موسیقی‌ای که دارند، حتی اگر آنها را روی کاغذ بنویسیم، متوجه می‌شود که به شعریت رسیده‌اند...

بسیاری امروز غزل‌ها و چهارپاره‌های محاوره را به ترانه نسبت می‌دهند. به گمان شما، این درست است؟

خیر؛ اشتباه است. چهارپاره خودش یک قالب و غزل هم یک قالب جداگانه است؛ ولی ترانه، قالب نیست؛ ترانه اتفاقی است که در زبان می‌افتد و به نظر من ترانه، فرزند خلف ادبیات محسوب می‌شود که در تمام قالب‌ها می‌تواند سروده شود و اگر حق مطلب را ادا کند، می‌تواند پوششی برای کالبد هر قالب شعری باشد...

چهارشنبه

در باز خورد های مخاطبان آنچه در یافت‌هایی داشته‌اید و آیا این باز خورد ها در آثار تان با سمامد محسوس داشته است؟

از آنجا که من هم شعر می‌نویسم و هم ترانه، از دو منظر می‌توانم به سوال شما پاسخ دهم: در زمینه شعر که روی کاغذ نوشته می‌شود و بیشتر شعریت دارد تا اینکه بخواند موسیقی را در بر بگیرد، مسلمان نظر دوستان، تخصصی‌تری است. آن‌ها معمولاً شعرها را بیشتر می‌پذیرند تا ترانه‌هایی که روی کاغذ نوشته‌اند...

افت سلیقه مخاطب

به دلیل عدم مدیریت صحیح فضای مجازی و تهیه و تولید بی‌رویه کتاب شعر و داستان ایرانی، سلیقه مخاطب افول پیدا کرده و یک عده همچنان به دنبال این سلیقه و کیفیت پایین هستند. اما قشر حرفه‌ای کتابخوان ما برای اینکه یک پله از این سطحی بودن فاصله بگیرند، سعی کردند داستان‌ها و یا شعرهای مدرن وجود ندادند؛ بنابراین این انتخاب اثر و نویسنده هم سخت می‌شود بنابراین مخاطب مجبور است هر اثری که ترجمه شده است را بخواند.

افت سلیقه مخاطب

مصرف‌دار و کلماتی که به صرف تکرار و عادت است ناشیام. راهکار مورد نظر من این است که در ابتدا باید کار کرد ناشران ارزش گذاری شود و اگر دیدند ناشری کاغذ را هدر می‌دهد و مطلب بی‌کیفیت چاپ می‌کند، مجوزش را باطل کنند. همانطور که قبل از آنکه به ناشران مجوز دهند آن‌ها آزمون گرفته می‌شود و کارگاه برای آن‌ها برگزار می‌کند تا با قوانین چاپ و نشر آشنا شوند؛ باید ملزم شوند که در انتشارات خود، کارشناسان و دبیرانی داشته باشند که ملاک انتخابشان برای چاپ، دریافت پول از شاعران جوان نباشد؛ بلکه ارزش‌های ادبی باشد...

انتشارات شانی سال‌های زیادی را به معرفی آثار شاعران جوان و گمنام پرداخته است. چه پارامترهایی در پذیرش این اثر داشته‌اید و چرا؟

از روز اولی که انتشارات شانی راه انداختم، به سبب ضروری که در کتگرهای مختلف شعر از استان‌های مختلف داشتم - مثل شعرهای شهر یور مشهد و... - با شاعران استان‌های مختلف آشنا شدم و منابر برای این گذاشتم که ۸۰ درصد کتاب‌هایی که چاپ می‌کنیم، شاعران جوان باشند و کتاب اولی باشند. کارشناسان شعر ما باید کارها را تایید کنند که در میان آن‌ها، حتما کارشناسی غیر تهرانی وجود دارند. ما در انتشارات شانی، توسط ۳ کارشناس به آثار نمره می‌دهیم؛ ضعیف، متوسط و عالی. در ادامه برای اثری که متوسط شناخته شده باشد، کارگاه برگزار می‌شود. کارها را ویراستاری می‌کنیم تا جایی که مورد تایید کارشناسان نشر قرار گیرند. در سال‌های گذشته هم برای کتب ترجمه‌ای سردبیر انتخاب کردیم تا آثار قابل دفاع را منتشر کنیم.

فضای مجازی را به عنوان مهم در چه اول درافت تیراژ کتاب‌های شعر می‌دانند. نظر شما چیست؟

همانطور که گفتیم مدیریتی روی فضای مجازی نیست؛ بنابراین هر مطلبی در کسری از ثانیه بدون هرگونه نظارتی در فضای مجازی قرار می‌گیرد. بعضی وقت‌ها شما می‌بینید جمله‌ای به نام یکی از بزرگان نوشته می‌شود؛ این جمله دست‌به‌دست می‌چرخد و هیچ‌کس به شما نمی‌گوید اشتباه است. این چندگانگی در فضای مجازی باعث شده از یک طرف خیلی مخاطب‌پذیر باشد و از طرفی باطیغ زیادی از مطلب روبرو می‌شویم. اما راهکار برون رفت از این مشکل چیست؟ سایت‌های ایرانی ثابت شده یک درگاه امنیتی دارند که لوگوی خاص خودشان را دارند و به مخاطب اجازه می‌دهند با خیال راحت خرید خود را انجام دهند...



دو دسته‌اند: یک دسته، نویسنده و مولف درجه یک را دنبال می‌کنند که خیلی انگشت‌شمار هستند...

دو دسته‌اند: یک دسته، نویسنده و مولف درجه یک را دنبال می‌کنند که خیلی انگشت‌شمار هستند. یک طیف از آن‌ها هم مخاطبان درجه دو هستند که طرفدار کتاب‌های زرد هستند؛ یعنی کتاب‌های عاشقانه و یا کتاب‌هایی که محتوای اجتماعی، سیاسی و یا معنایی داشته باشد اما یک روایت عاشقانه در آن باشد، دنبال می‌کنند. اتفاقا نکته مورد بحث ما همین جاست؛ از نظر روابط اجتماعی و عاشقانه در جامعه ما خلأهایی وجود دارد که باعث می‌شود مخاطب این کمبود را در کتاب‌های ترجمه شده جست‌وجو کند. از طرفی؛ ارشاد برای مجوز دادن به کتاب‌های ترجمه‌ای خیلی ساده‌تر می‌گیرند تا آثار تالیفی.

دو دسته‌اند: یک دسته، نویسنده و مولف درجه یک را دنبال می‌کنند...

حاصل می‌کنند. از طرفی بسیاری از دوستان به همان هزینه‌اندک برای چاپ کتاب بسنده نمی‌کنند و از طریق یک بیج‌در اینستاگرام یا کانال در تلگرام، مطالب خود را بارگذاری می‌کنند که هیچ‌کس به بررسی روی آن مطالب نیست. اتفاقا این‌ها آزمون نویسنده آثار را استاد خطاب می‌کنند؛ مشکل اصلی فضای مجازی این است که مخاطب نمی‌داند چه مطلبی درست و چه مطلبی غلط است و وقتی با حجم عظیمی از این مطالب روبرو می‌شوند، ناخودآگاه آن‌ها را می‌پذیرند.

در نمایشگاه سی و چهارم به چند عنوان کتاب حضور داشتید و چه تفاوت‌هایی بین این نمایشگاه با سال قبل وجود داشت؟

امسال سی و چهارمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران بود و ما با ۵۰ عنوان کتاب جدید که ۲۰ عنوان آن شعر و ۳۰ عنوان آن رمان ترجمه است وارد نمایشگاه شدیم. سعی کردیم که در بخش ترجمه عقب‌مانیم اما حتی کتاب‌های ترجمه خود را هم به دوستان واحد کارشناسی ترجمه سپردیم که کارها را ایشان انتخاب کنند تا پس از تایید دبیر واحد ترجمه که تحصیلات عالی در بحث ترجمه دارد، آن آثار چاپ شوند. سردبیر روی آن کتاب ارزش گذاری می‌کند که آیا برای بازار مناسب است یا خیر. صرفاً فقط به بحث پرفروش بودن و یا نام نویسنده نگاه نمی‌کنند؛ بلکه کارها متناسب با سطح کیفی و کمی ادبیات و مخاطبین مورد بررسی قرار می‌گیرد. اما فرق این نمایشگاه با نمایشگاه‌های قبلی این بود که تعدادی از ناشران در این دوره شرکت نکردند؛ بنابراین ناشرانی که حضور دارند، بیشتر ناشران دولتی و یا ناشران خصوصی هستند که کاغذ دولتی می‌گیرند و داخل نمایشگاه کتاب هم فضای بزرگ و خوبی را به خود اختصاص می‌دهند و در زمینه معرفی کارهایشان از رسانه ملی استفاده می‌کنند؛ به نظر من در نمایشگاه امسال، ۵۰ درصد ناشران تخصصی و نوآور حضور نداشتند و به همین اندازه، ناشرانی به نمایشگاه آمدند که موضوعی مناسبتی کتاب چاپ می‌کنند.

شما چه دلایلی را در این اتفاق موثر می‌دانید؟

ناشرانی که در نمایشگاه کتاب امسال شرکت نکردند، مهم‌ترین دلیل خود را بالا بودن قیمت کاغذ می‌دانند و از طرف دیگر مساله کمی رایت مطرح است. ناشر تخصصی با کلی تجربه و با تیم کارشناسی اش، چند اثر قابل دفاع را انتخاب و چاپ می‌کند اما متأسفانه ناشرانی که نمی‌دانم چطور مجوز گرفته‌اند، همان آثار با کیفیت پایین‌تر و ترجمه ضعیف‌تر می‌بازار می‌آورند؛ این مساله باعث می‌شود که آن ناشر حرفه‌ای که تخصصی کار می‌کند، دیگر میلی به پیدا کردن کتاب درجه یک نداشته باشد. متأسفانه رعایت نکردن کمی رایت، معضل و آسیب بزرگی به نشر ما وارد کرده است و از طرفی دیگر بسیاری از ناشران به دلیل پخش کتاب و غرفه‌هایی که در نمایشگاه به برخی داده می‌شود، اعتراض داشتند و سعی کردند با نیامدن به نمایشگاه اعتراض خود را اعلام کنند.

